

# سواد آموزی، اولین گام در روند توسعه

۲

روستانشینان می‌اندیشد و آنچه که مورد تحقیق و گفتگو قرار می‌دهند پیرامون بهبود اوضاع روستانشینان و جوامع روستائیت و دلیل چنین اندیشه‌ای نیز روشن و آشکار است، چرا که محور اقتصادی یک جامعه و بخصوص جامعه‌ای نظیر ایران که از جمله کشورهای جهان سوم بحساب می‌آید، روستاهای کشور می‌باشد و لذا باید بدیده‌ای دیگر، سوای آنچه که در رژیم گذشته به آن نگرسته می‌شد نظر شود.

در مورد رشد و توسعه در زمینه اقتصاد روستائی، آراء مختلفی در بین صاحب‌نظران می‌باشد که اکثراً بهم نزدیک می‌باشند و دریک مرور عموماً اتفاق نظر دارند و آن مسئله ترویج و اهمیت آن در بهبود کشاورزی کشور و افزایش محصول در واحد سطح می‌باشد و نیک می‌دانیم که اگر به این مهم دست یابیم و موفق شویم تا محصولات مختلف کشاورزی را افزایش مطلوب و شایسته دهیم طبعاً درزندگی زارعین تحول لازم صورت می‌پذیرد و خود کفائی نیز میسر می‌گردد.

جواب سؤال مشخص و روشن است و باید



در شماره گذشته بمناسبت هفتم دیماه و سالگرد تشکیل نهضت سوادآموزی، مروری داشتیم بر اهمیت سواد در جامعه و بررسی کوتاهی در باره وسعت بیسوادی در جامعه اسلامی ایران بویژه روستاهای کشور.

و اشاره‌ای داشتیم به این مطلب که باتوجه به فعالیتهای قابل تقدیر نهضت سوادآموزی، ولی متأسفانه به بعثت عمق فاجعه ناشی از ستم رژیم گذشته دراین زمینه، هنوز کارچندان چشمگیری ارائه نشده و باتوسل به آمار و ارقام، آگاه شدیم که با تمام کوششهای نهضت، درسال ۶۲ از کل جامعه روستائی کمتر از ۳٪ تحت پوشش آموزش مقدماتی قرار گرفته‌اند، اینک دنباله گفتار را ادامه می‌دهیم و دراین شماره نقش سواد در رشد و توسعه را مورد بحث و گفتگو قرار خواهیم داد.

البته لازم به یادآوریست که برابر رسالت جهاد سازندگی نسبت به روستا و روستانشینان کشور و تعهداتی که دراین زمینه حس می‌کند و وظایفی که بعهده جهادگران گذاشته شده، بی‌تردید درمورد سوادآموزی نیز دیدگاهی روستائی دارد و حول و حوش

از شیوه‌های آموزش تئوری و تجربی بهره گرفت و کشاورزان را با طرق تجربه شده و شیوه‌های موفق آشنا ساخت.

ولی آیا این آموزشها، از چه راهی می‌تواند سودمند باشد و مدت زمان کوتاهتری وقت صرف آن شود، مطلبیست که نیاز به بررسی دارد و مراد نگارنده نیز بررسی در این زمینه می‌باشد.

در این امر تردیدی نیست که آموزش از طریق فیلم و یا جزوات و نشریه مقدور است و یک راه دیگر آنست که آموزش دهنده، در محل حضور یابد و مستقیماً کشاورزان را تحت تعلیم قرار دهد و جزاین سه راه، شیوه دیگری نمانده و می‌دانیم که طریقه سوم به هیچ روی مقدور نیست چرا که به اندازه کافی مربی در اختیار نداریم و اگر هم موجود باشد چنین عملی عقلانی بنظر نمی‌رسد.

در مورد فیلم هم، بهیچ‌روی اقتصادی نیست زیرا تهیه یک فیلم در زمینه آموزش و ترویج کشاورزی، نیاز به هزینه دارد که البته تکثیر و نمایش هر باره آن، به این هزینه می‌افزاید مضافاً اینکه خرید دستگاههای نمایش بحد کافی، خود به هزینه دیگری نیاز دارد و پرسنل بخدمت گرفته شده از زمان شروع فیلم‌برداری تا لحظه نمایش، مخارجی دارند و چنانچه این هزینه‌ها برآورد شود می‌توان دریافت که اعمال چنین روشی اقتصادی نیست و کاربرد آن نیز محدود می‌باشد.

باتوجه به اینکه، آموزش از طریق فیلم فایده چندانی برای کشاورز و روستائی ندارد و چنانچه در موردی، نیاز به دانستن و مرور مجدد داشت، امکان آن تقریباً غیر ممکن است و اگر هم مقدور باشد در آن لحظه خاص و موعد مورد نظر امکانپذیر نیست.

با آنچه بیان شد چنین بنظر می‌رسد که بهترین طریق، آموزش بوسیله نشر کتب و جزوات می‌باشد که ضمن مقرون به صرفه بودن، نواقص دیگر هم ندارد و هر زمان که نیاز به مرور و مطالعه مجدد باشد امکان دستیابی به آن فراهم و میسر است.

بنابراین آنچه که مورد نیاز حتمی است، دانستن فن خواندن می‌باشد که متأسفانه قشر وسیعی از روستائیان کشور، علی‌الخصوص برزگران و کشاورزان، از این نعمت برخوردار نیستند و چنانچه بخواهیم شیوه‌های ترویجی و آموزشی را از طریق کتاب و جزوات اعمال کنیم لازم است که باید به کمک بیسوادان شتابیم و در اولین مرحله آنان را حداقل با خواندن آشناسازیم.

در زمینه‌های مختلف سیاسی- اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی هم اهمیت سواد امری روشن و بدیهیست و نیازی به توصیف آن

نمی‌رود که در اینجا به آن بسپردیم و در باره اش سخن بگوئیم.

با آنکه تاکنون ذکر شد می‌توان به این مطلب وقوف یافت که سوادآموزی خودعامل بسیار محرک است در جهت تشدید هر چه بیشتر آهنگ رشد و توسعه در جامعه اسلامی ایران و روستاهای سراسر کشور و مناسبت دارد یادآور شویم که نیاز جامعه روستائی و کشاورزان کشور به سوادآموزی بر مراتب بیش از کارگران و بیسوادان شهر است زیرا یک کارگر در یک مجتمع صنعتی بعد از طی مراحل مقدماتی و کار بادستگاه و ماشین صنعتی، بعد از یک مدت زمان اندک به کلیه فوت و فن مربوط به آن دستگاه آشنا می‌شود و چون کار ماشین متغیر نیست و بر اساس یکسری برنامه‌های از پیش تعیین شده و یک خط‌مشی غیر قابل تغییر ساخته شده است لذا کارگر بعد از آشنائی با نحوه کار آن دستگاه، بر راحتی می‌تواند با آن کار کند و چنانچه بیسواد باشد و مراحل سوادآموزی را طی کند،



تأثیر چندانی بر کار و تولید او و دستگاه تحت نظارتش نمی‌گذارد در صورتی که برزگر و روستائی، بر اساس برخورد با طبیعت و عوامل جوی و جغرافیائی که اوضاعی دائمی در حال تغییرند نیاز مبرم‌تری به آموختن دارد تا از طریق مطالعه جزوات مربوطه بتواند در صورت تغییر و تحولات مختلف از بروز ضایعات احتمالی جلوگیری کند و با ضرر و خسران غیر قابل انتظار مواجه نگردد.

البته این بدان معنا نیست که جوامع شهری و بیسوادان آن از یاد برده شوند و نسبت به آموزش آنها اقدامی صورت نگیرد، بلکه صرفاً بخاطر بیان اهمیت جامعه روستائی و نقش سوادآموزی در این جوامع است و باتوجه به این واقعیت که جامعه شهری در مقابل جامعه روستائی، از میزان کمتری بیسواد برخوردار است و باتوجه به نیاز مبرم روستائی به خواندن و نوشتن و آموختن تجارب و فنون مختلف برابر آنچه که در بالا ذکر شد، و باتوجه به این مطلب که متأسفانه امکانات

نهضت سوادآموزی محدود است و با شرایط موجود فعلی و این امکانات امید چندانی به ریشه کن کردن بیسوادی آنهم در مدت زمان کوتاه نمی‌رود لذا باید روستاها در اولویت قرار گیرند و درصد بیشتری از امکانات در جهت آموزش آنها بکار گرفته شود.

نکته دیگری که مسئولین محترم نهضت سوادآموزی باتوجه به آن می‌توانند گامهای بلندتری بردارند استفاده از نیروهای مردمی می‌باشد که برابر اعتقاد و دیدگاه جهاد سازندگی حرکت و کار بسیجی است و جهاد سازندگی اطمینان دارد چنانچه از سوی نهضت سوادآموزی استقبال شده و مورد توجه قرار گیرد، بی تردید زمان ریشه کنی بیسوادی را کوتاه و کوتاهتر خواهد کرد.

و برای نیل به این منظور نیازی نیست که حتماً از آموزشیاران دیپلمه استفاده شود زیرا غالب روستاها فاقد نیروهای این چنین می‌باشند و از اینرو نمی‌توان در تمام روستاها از آموزشیاران دارای مدرک تحصیلی بهره گرفت.

از سوی دیگر، روستائیان سنین بالا و سالخوردگان روستائی نیاز چندانی به آموزشهای معمول در کلاسهای آموزش و پرورش و یا نهضت سوادآموزی ندارند و نوشتن در حد مطلوب و بالا، کمک چندانی در اوضاع اقتصادی و اجتماعی آنان ندارد بلکه آنچه مورد نیاز آنها بخصوص در شرایط کنونیست آموختن خواندن و استفاده از کتب، جزوات، نشریات و مقاله‌های مختلفی می‌باشد که می‌تواند در جهت بهبود وضعیت کار و تولید آنها مفید و سودمند باشد و لذا باید در ابتدا آنان را بخواندن تشویق کرد و طرق خواندن را به آنها آموخت و آنچه که شایان توجه است این که در اکثر روستاها، افرادی حضور دارند که در مکتبهای قدیمی تحت آموزش قرار داشته‌اند و خواندن را بخوبی می‌دانند ولی از نوشتن اطلاعی ندارند و آموخته‌های آنها بخواندن تنها محدود می‌شود.

این سیستم آموزش را اصطلاحاً روخوانی می‌گویند و چنانچه از چنین نیروهایی که خواندن را می‌دانند و می‌توانند دانسته‌های خود را به دیگران هم منتقل سازند بهره‌گیری شود و در مدت زمان کوتاهی، عده بیسوادان روستائی که از روخوانی هم عاجزند بسرعت کاهش خواهد یافت و درصد وسیعی از بیسوادان را تحت تعلیم خواهد گرفت.

حسن دیگری که بر این طریقه مترتب است، اینکه روستائیان بیسواد هم رغبت بیشتری به فراگیری نشان می‌دهند زیرا شخص آموزش دهنده به سبب زندگی در روستاها و حضور مستمر در محل زندگی، می‌تواند وقت خود را با روستائیان شائق آموزش وفق دهد و حتی شبها به تعلیم بیسوادان همت گمارد

در صورتیکه چنین امری برای آموزشیاران غیر بومی میسر نیست و آنها ناگزیرند ساعات خاصی را برای آموزش انتخاب

کنند که در صورت تداخل آن ساعت، با ساعت کار و کوشش روستائیان و بویژه کشاورزانی که حضورشان در مزرعه امری لازم و ضروریست، حتماً موجب بی‌توجهی و یا کم‌توجهی‌شان به حضور در کلاسهای سودآموزی میشود و طبیعتاً نتیجه مطلوب آنطور که باید و شاید تحصیل نمی‌گردد. از جهات اقتصادی و رعایت نکات صرفه‌جویی هم این روش بسیار موفق‌تر است و در صورت بکارگیری نیروهای بسیجی، چنانچه نیازی به پرداخت حقوق به آنها باشد بی‌تردید نسبت به آموزشیاران، میزان کمتری خواهد بود باتوجه به این نکته که در هزینه‌های دیگری نظیر تردد و رفت و آمد با ماشینهای نهضت و هزینه‌های سوخت و استهلاک هم صرفه‌جویی می‌شود و از این رهگذر در صرف بیت‌المال در جهت سودآموزی نیز تقلیل مضاعف صورت می‌پذیرد.

برای تحقق بخشیدن به این اهداف، جهاد سازندگی که در مورد روستاهای سراسر کشور شناخت ویژه‌ای دارد و بخاطر حضور مستمر در روستاها، جهت انجام خدمت به روستائیان از توان بیشتری برخوردار است در صورت لزوم می‌تواند همفکری و همکاریهای سودمندی با نهضت سودآموزی داشته باشد و در رفع معضلات ناشی از بیسوادی و ترویج و توسعه

سودآموزی در روستاهای سراسر کشور، نهضت را یاری رساند تا انتظار جامعه، و بیسوادان کشور، در مدت زمان کوتاهی برآید و نتیجه مطلوب بدست آید.

ناگفته نماند که همیاری و مشارکت وزارت آموزش و پرورش نیز در این امر مهم و حیاتی از ضروریاتست و لازمست که برادران و خواهران دلسوز در این ارگان، با عزیزان نهضت دست بدست هم دهند و همزمان و همگام عمل کنند تا در سالهای آینده جمهوری اسلامی با معضلی بزرگ بنام بیسوادی روبرو نباشد و آنچه که وزارت آموزش و پرورش باید عمل کند این است که از رشد بیسوادی در جامعه جلوگیری کند.

بدین معنی که همه ساله تعدادی بیسواد از طریق نهضت آموزش می‌بینند و باسواد می‌شوند که باتوجه به وسعت بیسوادان جامعه،

این تعداد آموزش‌دیدگان، اندک و ناچیزند، و نکته مهم اینست که به ازاء همین تعداد باسواد شده، و شاید هم بیشتر به بیسوادان جامعه افزوده می‌شود و این موجب میشود که کار سازنده و مفیدی صورت نگیرد.

و می‌دانیم که افزایش بیسوادان جامعه از طریق کودکانیست که به سنین آموزش می‌رسند و تحت تعلیم قرار نمی‌گیرند و باید تدبیری اندیشیده شود که این عزیزان در همان سنین طفولیت جذب مدارس شوند و این امریست که وزارت آموزش و پرورش باید بر آن همت گمارد و سعی و کوشش کند تا خردسالان بیسواد امروز، کهنسالان بیسواد فردا را تشکیل ندهند و بر بار مشکلات کشور و جامعه نیفزایند.

برای آنکه رسالت عظیم وزارت آموزش و پرورش در کل کشور و بویژه روستاهای سراسر ایران مشخص شود باز هم به آمار و ارقام می‌پردازیم تا بدانیم وضعیت امکانات آموزشی در روستاها، از قبیل مدرسه و مدرسه راهنمایی تحصیلی و دبیرستان به چه میزانست و باید به مسئله آموزش و پرورش در روستاها چگونه نگریسته شود.

برابر آمار گرفته‌شده در سال ۱۳۶۰ توسط جهاد سازندگی از ۵۵۱۳۷ روستا تعداد ۳۲۸۴۱ روستا یعنی ۶۰٪ روستاها دارای دبیرستان

بوده‌اند و از همان تعداد روستاهای احصاء شده فقط ۴۴۲۰ روستا یعنی فقط ۸٪ دارای



مدرسه راهنمایی بوده‌اند و روستاهای دارای دبیرستان فقط ۶۴۸ روستا یعنی ۱/۲٪ می‌باشند.

لازم به توضیح است که این مقدار امکانات بطور متساوی بین استانها تقسیم نشده و در حالیکه ۹۱٪ روستاهای همدان از دبستان برخوردارند روستاهای سیستان و بلوچستان فقط به میزان ۲۵٪ دارای دبستان می‌باشند و میزان مدرسه راهنمایی در روستاهای استان تهران ۲۰/۶٪ می‌باشد در حالیکه در استان خوزستان و سیستان و بلوچستان تنها ۲/۹٪ دارای مدرسه راهنمایی بوده‌اند.

در مورد دبیرستانهای استان تهران نیز باید یادآور شویم که میزان ۴/۹٪ بوده است و آمار دبیرستانهای استان باختران فقط ۰/۳٪ را نشان داده است و توجه به آمار مزبور صحت ادعای ما را در مورد لزوم توجه هرچه بیشتر وزارت آموزش و پرورش در امر آموزش کودکان و نونهالان روستائی به اثبات می‌رساند و چنانچه اقدامی عاجل و جدی در این زمینه صورت نگیرد بی‌تردید همزمان با فعالیت نهضت سوادآموزی نسبت به آموزش بیسوادان، به تعداد بیسوادان نیز افزوده خواهد شد و بنابراین نهضت سوادآموزی هیچگاه قادر نیست که بیسوادی را از بیخ و بن ریشه کن سازد و چنانچه این آرزو تحقق یابد مطمئناً در زمانی بیش از ۴۰ یا ۵۰ سال مقدور خواهد بود که انقلاب اسلامی و اهداف مقدس آن تاب تحمل چنین زمان طولانی برای رفع بیسوادی در جامعه اسلامی ایران رانخواهد داشت.

بحث مربوط به سوادآموزی و ضرورت ریشه‌کنی بیسوادی را که بمناسبت سالگرد تاسیس «نهضت سوادآموزی» در شماره پیش آغاز کردیم موقتا در همینجا به پایان می‌بریم. لیکن بحث مربوط به آموزش بطور عام و سوادآموزی بطور خاص و اهمیت بالا بردن دانش عمومی در روند توسعه همه جانبه کشور را در آینده بطور مفصل‌تر و عمیق‌تر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

در مقاله شماره گذشته، آمار بیسوادان بین سنین ۳۰ الی ۴۵ و ۴۵ سال به بالا در سال ۶۲، ۴۴۲۳ و ۱۱۲۲۴ ذکر شده بود که این ارقام مربوط به دوره‌های تکمیلی می‌باشد و در سال مزبور تعداد ۱۲۵۵۹۲ و ۵۱۲۷۹ نفر نیز در دوره‌های مقدماتی نهضت سوادآموزی ثبت نام نموده‌اند و اگر بخواهیم کل تعداد تحت پوشش را محاسبه کنیم باید این ارقام را نیز به تعداد ذکر شده بیافزاییم.

بقیه از صفحه ۷

## رهنمودهای آیت‌الله العظمی منتظری

کنند بنیه معنوی و دینی این مراکز مهم و حساس که فارغ‌التحصیلان آنها باید اداره شود و انقلاب را بدست گیرند هر چه بیشتر تقویت و تحکیم نمایند و از مسئولین محترم و دانشجویان عزیز و اساتید معظم هم تقاضا دارم به ایمن امر مهم توجه

نمایند و ترتیبی بدهند تا نهادهای اسلامی و انقلابی در دانشگاهها مانند جهادهای دانشگاهی و انجمنهای اسلامی با قوت و قدرت به کار خود ادامه دهند و با روحانیون و فضایی متعهدی که تدریس معارف اخلاقی و دینی را بعهده گرفته‌اند هماهنگی بیشتری داشته باشند. البته هر کار مهمی که از صفر شروع می‌شود قطعاً بدون نقص نخواهد بود و من می‌دانم نواقص و کسب‌و‌دهائی در این قسمت وجود دارد که باید در رفع آنها تلاش کنیم و جریان دینی دانشگاهها را کاملتر از پیش بگردانیم.

همانگونه که سابقاً تذکر داده‌ام انتظاری که از این نهادهای جدید و انقلابی هست جذب افراد بی‌تفاوت و با آنهایی که دارای لغزشهای جزئی بوده می‌باشد. این نهادها باید ترتیبی بدهند تا اینگونه افراد بتوانند در جو مذهبی دانشگاهها به انقلاب و اسلام جذب شوند، بنابراین نباید خدای ناکرده اگر از کسی لغزشی سراغ دارند افشاگری و یا تبلیغ نمایند. روش اسلامی همان برخورد صحیح و سازنده با اینگونه افراد است. البته در مورد افراد فاسد که با شرایط فعلی دانشگاهها هنوز می‌خواهند تبلیغ ضد اسلام و یا ترویج فساد بکنند باید قاطعانه تصمیم گرفته شود و اینگونه افراد دیگر عذری ندارند.

\* با این فداکاری که از مردم و رزمندگان در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها دیده می‌شود، وظیفه همه ماست که به مشکلات و کمبودها و ناهماهنگی‌هایی که در بعضی موارد دیده می‌شود، بیشتر توجه کنیم و حتی‌المقدور سعی شود نیروهای ارزنده و با سابقه و قوی بیشتر جذب شوند و افرادی که دارای فکر و نظر می‌باشند و نسبت به جبهه‌ها و تاکتیکهای جنگی شناخت بیشتری دارند، بکار گرفته شوند. این موضوع منحصر به سپاه و جبهه‌ها نیست، بلکه اصولاً در تمام ارگانها و پستها لازم است به افراد لایق، قوی و مخلص که سالها در انقلاب بوده‌اند و تعهد و دلسوزی آنان نسبت به انقلاب عملاً ثابت شده است، بیشتر میدان و زمینه رشد بدهیم و گرنه افراد فرصت‌طلب و یا ضعیف ممکن است با تظاهر به انقلاب کارهای اساسی را در دست گیرند و بالنتیجه به انقلاب ضربه وارد شود. احترام و شخصیت مسئولین را باید کاملاً رعایت کرد و

کاری نکنند که دشمن و ضد انقلاب در این شرایط حساس سوزهای بدست بگیرد. برخوردها و انتقادهای باید کاملاً سازنده، منطقی، مستدل و بدون از هوای نفس و حالت انتقام‌جویی باشد.

\* بجاست از هم‌اکنون این آموزش (روحانیون کاروانها) یا همکاری صدا و سیما و امتحان دقیق از آنها در مورد مسائل شرعی و مناسک حج که محل ابتلای همگی است آغاز شود. در شرایطی که بسیاری از مردم ما در صدد رفتن به حج واجب خود هستند رفتن دیگران بعنوان مستحبی با توجه به محدودیت امکانات شایسته نیست و شاید بدون اشکال هم نباشد. از اینرو انتظار می‌رود ترتیبی داده شود تا حتی‌المقدور برای افرادی که می‌خواهند حج واجب خود را انجام دهند یا افرادی که پیر و سالمند هستند و ممکن است نتوانند در سالهای بعد به حج بروند و نیز برای خانواده شهدا و معلولین اولوینی منظور شود. اگر دولت ترتیبی می‌داد تا لوازمی که آوردن آنها توسط حجاج ایجاد اشکالات مختلفی می‌کند توسط دولت و با قیمت مناسب دولتی در فرودگاه در اختیار حجاج قرار می‌گرفت بهتر بود و بسیاری از گرفتاریها و مشکلات که هم برای حجاج و هم برای دولت و مسئولین گمرک مطرح است برطرف میشد.

